

مطالعه رابطه نظام ارزشی و نحوه گذراندن اوقات فراغت جوانان در شهرستان دشت آزادگان

بیژن زارع^۱، علیرضا مالکی عذاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۸ تاریخ تایید: ۹۴/۰۱/۲۵

چکیده

با توجه به گسترش کمی و کیفی اوقات فراغت در جهان معاصر، و از آن جا که نحوه گذران این اوقات به عنوان یکی از مؤلفه‌های زندگی امروزی نقش بسیار مهم و حیاتی در هویت‌یابی جوانان بر عهده دارد، در صورت عدم استفاده درست از آن، رفتارهای انحرافی را در پی دارد. هدف این مطالعه شناخت و تبیین عوامل فرهنگی مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت جوانان در پرتو نظام ارزشی جامعه است. فرضیات استنتاج شده از چهارچوب نظری تحقیق با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه برگرفته از «طیف مطالعه ارزش‌های آلپورت» و نحوه گذران اوقات فراغت به وسیله پرسشنامه ساختمند و خود گزارشی در یک نمونه ۳۹۶ نفری از جوانان شهرستان دشت آزادگان، آزمون گردید. نتایج حاکی از آن است، که رابطه ارزش نظری با فراغت فکری، ارزش اجتماعی با فراغت اجتماعی، ارزش هنری با فراغت هنری، ارزش مذهبی با فراغت اجتماعی تأیید و ارزش اقتصادی با فراغت عملی و ارزش سیاسی با فراغت جسمانی رد شد. همچنین، از متغیرهای زمینه‌ای رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی با فراغت هنری، جنس با فراغت جسمانی و عملی و وضعیت تأهل با فراغت هنری تأیید و سن با فراغت اجتماعی رد شد.

واژگان کلیدی: نظام ارزشی، اوقات فراغت، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، فراغت نظری، فراغت اجتماعی.

Dr_bizhanzare@yahoo.com

maleki60@gmail.com

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی.

۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی.

بیان مسئله

دگرگونی‌های ایجاد شده در نتیجه انقلاب صنعتی، نظیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی از یک سو، و مبارزات کارگران از سوی دیگر، رفته رفته منطق «زندگی برای کار» را به منطق «کار برای زندگی» تبدیل کرد. مطالعات جامعه‌شناسی کار و شغل نشان می‌دهد که میزان ساعات کار سالانه از بیش از ۴۰۰۰ ساعت در ابتدای قرن بیستم به کمتر از ۲۰۰۰ ساعت در سال در انتهای قرن کاهش یافته است و انتظار می‌رود این ساعات در مرفه‌ترین کشورهای صنعتی نظیر ژاپن و سوئد در دهه آینده به زیر ۱۵۰۰ ساعت در سال تقلیل پیدا کند (توسلی، ۱۳۸۵).

روشن است که این ساعات کمتر کاری، به همان میزان ساعات بیشتری در اوقات فراغت ایجاد می‌کنند. اما میزان اوقات فراغت به دلیل تغییرات دیگری نیز افزایش یافته است. از جمله: (۱) ممنوعیت کار کودکان، آموزش اجباری و رایگان، افزایش تدریجی سال‌های تحصیل و به تأخیر افتادن هرچه بیشتر سن ورود به بازار کار، (۲) هم چنین، افزایش امید به زندگی، که به طور دایم رو به افزایش بوده است. (۳) ایجاد نهاد بازنشستگی و پرداخت حقوق به افراد شاغل پس از بازنشستگی و در کنار این‌ها کاهش تدریجی سن ورود به بازنشستگی از ۷۰ سال به ۶۰ سال، تمامی این موارد باز هم بر تعداد سال‌ها و به همان میزان بر رقم کمی اوقات فراغت افزودند (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

در واقع، می‌توان گفت هرچه در تمدن صنعتی رو به جلو حرکت کرده‌ایم، مقوله اوقات فراغت به عنوان یک نیاز خاص جوامع بشری نمایان‌تر شده است. تا حدی که بعضی تمدن‌آموزی را «تمدن فراغت» نام‌گذاری کرده‌اند (نوری، ۱۳۷۹: ۹۹).

آمارهای موجود در زمینه سیر و سفر به عنوان یکی از فعالیت‌های فراغتی، حاکی از آن است که جهانگردان در سال ۲۰۰۰ بیش از ۴۷۵ میلیارد دلار در نقاط مختلف جهان هزینه کرده‌اند، ضمن این که تعداد گردشگران در سال ۲۰۱۰ میلادی به رقم ۹۴۰ میلیون جهانگرد رسید. در حالی که این رقم در سال ۱۹۵۰ میلادی تنها ۲۵ میلیون نفر بود (یونسکو ۱۳۷۹). هم چنین، براساس آمارهای موجود در پایان دهه ۱۹۸۰ و آغاز دهه ۱۹۹۰، هزینه‌ای که مردم کشورهای اروپایی در بخش فرهنگ و تفریح صرف کرده‌اند با نرخ ۲/۲ درصد برای اهالی یونان تا ۷/۸ درصد برای هلندی‌ها افزایش یافته است (اسکار دیگلی، ۱۹۹۰). این روند افزایشی همچنان در طول دهه ۱۹۹۰ و دهه ابتدایی هزاره جدید ادامه یافته است. به دلیل پدیده جهانی شدن صاحب‌نظران معتقدند که مردم در کشورهای در حال توسعه نیز همان انواع فراغت و تفریحی را تجربه می‌کنند که مردم جهان توسعه یافته آن‌ها را تجربه می‌کنند (رابرتس، ۱۹۹۷؛ کلی، ۱۹۹۶). هارادا معتقد است که رشد عظیم اقتصادی، کاهش ساعات کار و افزایش سرمایه‌گذاری شدید در بازار فراغت و تفریح، رنسانس فراغت را موجب شده است (هارادا، ۱۹۹۴؛ ۱۹۹۸).

در جامعه ایران نیز افزایش شدید جمعیت، شهرنشینی و دیگر تحولات ساختاری در عرصه اجتماعی و اقتصادی (نظیر اهمیت یافتن آموزش، گسترش مشاغل خدماتی، افزایش تحرک جغرافیایی و اجتماعی، اهمیت پیدا کردن و توسعه صنعت حمل و نقل و...) و از هم پاشیدگی محلات سنتی و نوسازی شهری در کنار دیگر تغییرات جمعیتی، از اهمیت «محلّه» و «اجتماع محلی» به عنوان کانونی برای تجمع و سرگرمی دختران به ویژه پسران جوان، کاسته است. به همان سان، در سطح فرهنگی نیز فردی شدن و علاقه فزاینده جوانان به انتخاب شخصی سبک زندگی و برنامه فراغتی خود، تشابه و هم شکلی در الگوهای گذران اوقات فراغت را کمتر کرده است و بدین ترتیب، رنسانس ذکر شده در بالا، خود را به شکل جدی‌تری برای آنان مطرح می‌کند (ذکایی، ۱۳۸۶).

طولانی شدن دوره جوانی و نوجوانی، رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی برای پرکردن فضای زندگی، کم رنگ شدن شکاف‌های متداول اجتماعی، اهمیت پیدا کردن سبک زندگی و «سیاست زندگی» برای جوانان، فروپاشی شبکه‌های سنتی همسایگی و نوسازی شهری از جمله زمینه‌های اصلی هستند که شرایط جدیدی را پیش روی جوانان قرار داده‌اند. آن چه در کنار این روندها و متأثر از رشد رسانه‌های جدید قابل ذکر است اهمیت بیش از پیش حفظ و تنوع در اوقات فراغت برای جوانان است. این تحولات تکنولوژیک علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی جوانان، گذران اوقات فراغت آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. دو فرآیند «رسانه‌ای شدن»^۱ و «خانگی شدن»^۲ توصیف‌گر گذران بخش عمده‌ای از فراغت جوانان در جوامع مدرن است.

ارتباطات با واسطه کامپیوتر^۳، «فرهنگ فراغت» و «اجتماع فراغت» را نیز تحت الشعاع قرار داده است. آن‌ها تأثیرات شگرفی را در تعاملات و روابط اجتماعی بر جای گذارده‌اند (گلد، ۱۳۷۶). ارتباطات مرزهای تازه‌ای، را در شکل‌گیری خرده فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان پدید آورده‌اند. ارتباطات اینترنتی در محیط‌های چت رومها^۴، ضمن آنکه تقویت‌کننده روابط غیروابسته به زمان و مکان گردیده است، به محملی برای جستجو و ارضاء کنجکاوی‌های جوانان نیز تبدیل شده است. در وجه منفی، استدلال بر این است که سرگرمی‌های مجازی اینترنتی عموماً به تقلیل سرمایه اجتماعی، انزوا و بریدگی از مشارکت‌های محسوس و عینی (کرات و همکاران، ۱۹۹۸)، تغییر روابط از اجتماعات و گروه‌های آشنا به اجتماعات شبکه‌ای (ولمن، ۲۰۰۱)، سوگیری جوانان به سوی آموزش موزاییکی (راشکوف ۱۹۹۴) و نیز

1. mediatization
2. homestification
3. CMC
4. chat rooms

قطعه قطعه شدن افراطی^۱ سلیقه‌ها و خرده فرهنگها و در نتیجه توده‌وارسازی^۲ (نیومن، ۱۹۹۱) می‌انجامد.

مسئله دیگری که در زمینه نحوه گذران اوقات فراغت جوانان مطرح می‌شود رفتارهای پرخطر^۳ است، در واقع، افزایش تعداد رفتارهای پرخطر در این دوره حساس از زندگی، تا حد زیادی ناشی از گسترش ساعات فراغت یا وقت آزاد نوجوانان و جوانان به دلایلی چون طولانی شدن دوره تحصیلات است (مهدوی و تمیز، ۱۳۸۷). مشکلات ناشی از افزایش اوقاتی دقیق در فراغت موجب شده که دولت‌ها از یک سو، به فکر اقداماتی برای پرکردن ساعات فراغت جوانان بیفتند و از سوی دیگر، راهبردهایی را برای پیشگیری و درمان رفتارهای پرخطر تدوین نمایند. با توجه به پیامدهای منفی عدم توجه به سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اجرایی مناسب در زمینه اوقات فراغت افراد جامعه به طور اعم و جوانان به طور اخص چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، ضرورت دارد، براساس پژوهش‌های علمی دقیق در این زمینه اقدامات لازم و بایسته به عمل آورد. این پژوهش رسالت خود در همین جهت قرار داده است.

در این تحقیق، تلاش می‌شود از منظر فرهنگ به مسئله اوقات فراغت نگریسته شده و آن را در پرتو ارزش‌ها و نظام ارزشی جامعه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. در تعریف فعالیت‌های فراغتی می‌توان گفت، مجموعه‌ای از رفتارها و کنش‌هایی که افراد در وقت آزاد خود انجام می‌دهند. نکته مهم در این باب آن است که این رفتارها عمدتاً در سپهر فرهنگ یک جامعه انجام می‌پذیرد و آنچه جوامع و اقشار مختلف درون یک جامعه را از هم متمایز می‌کند، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها یا به عبارت دیگر فرهنگ آنان است. گیدنز، فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌های معینی می‌داند که اعضای یک جامعه از ذهنیت خویش به همراه داشته و براساس آن از هنجارهایی پیروی می‌کنند. وی، فرهنگ را بر مجموعه شیوه‌های زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌نماید (گیدنز، ۱۳۸۳).

بر این اساس، می‌توان استنباط کرد که ارزش‌ها، محوری‌ترین بخش فرهنگ یک جامعه را تشکیل می‌دهند. بخشی که هم به عنوان تعیین‌کننده اهداف و هم به عنوان راهنمای رفتار اعضای جامعه عمل می‌کند. ارزش‌های مشترک، جامعه به دلیل احساس تعلق به یک گروه اجتماعی، پایه وحدت، همبستگی، نظم اجتماعی و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت افراد محسوب می‌شوند. با توجه به مباحث مطروحه می‌توان گفت که این پژوهش برای روشن شدن رابطه نظام ارزشی بانحوه گذران اوقات فراغت جوانان در شهرستان دشت آزادگان در پی پاسخگویی به این سوالات اساسی است. ۱-

1. hypersegmentation

2. massification

۳. رفتارهای پرخطر، شامل رفتارهایی است، مانند سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر، الکل و رفتارهای غیرمعمول و خارج از عرف جنسی و رفتارهای ضد اجتماعی، مثل تخریب‌گری، پرخاشگری و بزهکاری.

انواع نظام‌های ارزشی با کدام یک از انواع فعالیت‌های فراغتی ارتباط دارند؟ ۲- کدام یک از ابعاد متغیر مستقل تحقیق با متغیر وابسته میزان اوقات فراغت رابطه دارند؟ ۳- از میان متغیرهای زمینه‌ای کدام یک با متغیر وابسته تحقیق رابطه دارند؟

مرور مطالعات مرتبط با موضوع تحقیق

مهم‌ترین یافته‌های برخی از پژوهش‌های انجام شده درجهان، در باب نحوه گذران اوقات فراغت مردم به طور اعم و جوانان به طور اخص عبارتند از: انجام فعالیت‌های ورزشی، مطالعه بخش ورزشی مطبوعات، تماشای تلویزیون، رفتن به سینما، بازدید موزه‌ها، مطالعه کتاب، استفاده از رایانه و اینترنت، معاشرت اجتماعی با دوستان و یا اقوام و، خویشاوندان، گردش علمی با همکلاسی‌ها و رفتن برای خرید با دوستان (وا، اکی، ۲۰۰۱؛ پیمایش ملی فرهنگ و اوقات فراغت در جنوب هلند، ۲۰۰۷؛ شیائو، ۲۰۰۶؛ همایش فرهنگ، اوقات فراغت، رسانه و ورزش در بین جوانان انگلستان، ۲۰۰۷).

تحقیقات انجام شده داخلی در زمینه نحوه گذران اوقات فراغت جوانان از آن است که مهم‌ترین این فعالیت‌های فراغتی عبارتند از: تماشای تلویزیون بویژه برنامه‌های ورزشی و سرگرم‌کننده، رفتن به سینما و تئاتر، مطالعه کتاب و مطبوعات و بویژه کتب درسی، بازی و ورزش، دیدار دوستان و خویشاوندان، استراحت در منزل و رفتن به مسافرت با خانواده و اقوام نزدیک، انجام کارهای هنری، رفتن به مراکز تفریحی و خرید با دوستان و اعضای خانواده، قدم زدن در خیابان‌ها و پارک‌ها با دوستان (رجب زاده، ۱۳۷۲؛ دبیرخانه شورای عالی جوانان، ۱۳۷۶؛ میرهاشمی و نجفی زند، ۱۳۷۸؛ محسنی، ۱۳۷۹؛ ذکایی، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، با فراتحلیل مقاله‌های علمی- پژوهشی و پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری داخلی در زمینه عوامل تأثیرگذار بر نحوه و نوع فعالیت‌های فراغتی می‌توان گفت: متغیرهای درآمد، داشتن فرزند، سن، طبقه، جنسیت و تأهل به ترتیب اثر، به عنوان عوامل مؤثر بر میزان و نحوه گذران اوقات فراغت مورد تأیید قرار گرفته ولی اثر متغیر تحصیلات اثری نداشته است (سفیری و مدیری، ۱۳۹۰).

نکته مهم در مورد تحقیقات خارجی و داخلی، آن است که هیچکدام به بررسی رابطه نظام ارزشی افراد و نوع فعالیت فراغتی آن‌ها نپرداخته‌اند.

مبانی نظری تحقیق

نظریه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با اوقات فراغت

به طور کلی در زمینه اوقات فراغت نظریه‌پردازی کمی صورت گرفته است. هیوود و همکارانش سه دلیل را برای این وضعیت اقامه کرده‌اند: الف) اوقات فراغت از جمله زمینه‌های پژوهشی

است که در مقایسه با حوزه‌های قدیمی‌تر، بسیار جوان است. در نتیجه، اوقات فراغت به هنگام نظریه‌پردازی در حوزه‌های «پربارتر» و «مهم‌تری» مانند کار، خانواده و سیاست به عنوان یک موضوع حاشیه‌ای محسوب شده است. ب) با توجه به این که اوقات فراغت تا حد زیادی محصول سرمایه‌داری سده بیستم است به عنوان «وقت آزاد» در نظر گرفته می‌شود، در نتیجه، جنبه حاشیه‌ای پیدا کرده است. ج) پیچیدگی شناخت «اوقات فراغت» و «اشکال» مختلف آن باعث توجه کمتر جامعه‌شناسان به این حوزه شده است (هیوود و همکاران، ۱۳۸۴).

جامعه‌شناسانی نیز وجود دارند که ریشه اصلی پیدایش اوقات فراغت و دلیل گرایش انسان به آن را در دین می‌دانند. در میان این گروه از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی دورکیم^۱ سرآمد تمامی آنان است. به نظر «دورکیم» مراسم و اعمال، به خصوص اعیاد و جشن‌های اجتماعی، سبب ایجاد غلیانی از احساسات در افراد شرکت‌کننده در جشن می‌شود. این غلیان احساسات عاملی برای نزدیک‌تر شدن افراد به یکدیگر و ایجاد حس همدلی در آنها است. همدلی‌ای که به آنها یک حالت ملکوتی می‌بخشد، تا احترام گذاشتن به جامعه و فداکاری به خاطر آن را بپذیرند (آرون، ۱۳۸۲: ۴۰۹-۳۹۱).

تورکیلدسن (۱۹۹۹)، عوامل مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت را به سه گروه عمده تقسیم کرده است: نخست عوامل فردی: مرحله چرخه زندگی فرد، نیازها، علایق، نگرش‌ها، توانایی‌ها، نوع تربیت و شخصیت فرد. دوم: موقعیت‌هایی که افراد خودشان را در آن می‌بینند، محیط اجتماعی که آنها جزئی از آن هستند، زمان در اختیارشان، شغل و درآمدشان. دسته سوم، فرصت‌ها و خدمات حمایتی در دسترس افراد: منابع، تسهیلات، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و کیفیت و جذابیت آنها و مدیریت‌شان.

اما به نظر می‌رسد علاوه بر عوامل یاد شده، آنچه از اهمیت تعیین‌کننده‌تری برخوردار است نظام ارزشی رایج در جامعه است. بر همین اساس قبل از ورود به بحث اوقات فراغت، لازم است به اجمال آن را توضیح دهیم.

نظام ارزشی^۲: میلتنون روکیچ نظام ارزشی را سازمان‌پایداری از باورهای مرتبط ترجیح داده شده ابزاری یا غایی می‌داند که براساس اهمیت نسبی رتبه‌بندی شده‌اند (روکیچ، ۱۹۷۳؛ شوارتز، ۱۹۹۲؛ مانستد و هیو استون، ۱۹۹۶).

از نظر روکیچ وقتی ارزشی آموخته می‌شود، به طریقی در یک نظام سازمان‌یافته از ارزش‌ها ادغام می‌شود که در آن، هر ارزش به لحاظ اولویت آن در برابر ارزش‌های دیگر، جایگاه خاص خود را می‌یابد. این استنباط نسبی از ارزش‌ها ما را قادر می‌سازد (روکیچ، ۱۹۷۳).

1. Emile Durkheim
2. value system

تریاندیس^۱ (۱۳۷۸) روان‌شناس اجتماعی، معتقد است که اجزای فرهنگ ذهنی (قواعد، ارزش‌ها، هنجارها و طبقه‌بندی‌ها) الگوهای منظمی دارد که به رغم تفاوت آنها، می‌توان برخی از قالب‌های کلی را که قابل تسری به همه فرهنگ‌ها هستند، شناسایی کرد. این قالب‌های کلی، «شانگان فرهنگی»^۲ نامیده می‌شوند. یک نشانگان فرهنگی، الگویی از باورها، نگرش‌ها، دید افراد به خود^۳، هنجارها و ارزش‌هایی است که بر گرد مضمونی موجود در جامعه سازمان یافته‌اند. برخی از این نشانگان عبارتند از:

پچیدگی^۴: برخی فرهنگ‌ها، پیچیده‌تر از فرهنگ‌های دیگر هستند.

فردگرایی: برخی فرهنگ‌ها، تجربه اجتماعی را حول افراد خودگردان سازمان می‌دهند.

جمع‌گرایی: برخی از فرهنگ‌ها، فرهنگ ذهنی خود را حول یک یا چند جمع همچون خانواده، قبیله، سازمان مذهبی یا کشور سازمان می‌دهند.

چیرگی: برخی فرهنگ‌ها، هنجارها، قواعد و محدودیت‌های بسیاری را بر رفتار اجتماعی تحمیل می‌کنند (تریاندیس، ۱۹۹۶).

وی، یک ساختار چهار بعدی را برای مطالعات بین فرهنگی پیشنهاد کرده است که در این مقیاس، نوع‌های ارزشی هم‌نواپی و امنیت، نشان‌دهنده بعد جمع‌گرایی و نوع‌های ارزشی خود اتکایی^۵ و لذت‌گرایی بیانگر بعد فردگرایانه است. همچنین، وی فرض می‌کند که ارزش‌های خیرخواهی و جهان‌گرایی، بیانگر بعد جمع‌گرایی افقی^۶ و ارزش‌های قدرت و موفقیت سازنده، بعد فردگرایی عمودی^۷ هستند.

تریاندیس متذکر می‌شود که دو نوع جمع‌گرایی وجود دارد: یک نوع که بر وابستگی دو جانبه و یکی بودن تأکید می‌کند و باید آن را «جمع‌گرایی افقی» نامید؛ و دیگری که بر خدمت به گروه تأکید می‌ورزد و باید آن را «جمع‌گرایی عمودی» نامید (تریاندیس، ۲۰۰۰).

درحالی که به نظر روکیچ ارزش‌ها، معیارهایی چند وجهی هستند که از راه‌های گوناگون، رفتار را هدایت می‌کنند. آنها:

۱. ما را به موضع‌گیری در قبال مسائل اجتماعی سوق می‌دهند.

۲. ما را آماده می‌کنند، به طرفداری از یک ایدئولوژی سیاسی یا مذهبی خاص برخیزیم.

۳. معیارهایی هستند که به خدمت گرفته می‌شوند تا فردی معرفی شود.

1. H. S. Triandis
2. cultural syndrom
3. self- definition
4. complexity
5. self- direction
6. horizontal
7. vertical

۴. برای ارزیابی و قضاوت، و تعریف و تمجید از یک گروه، و سرزنش گروهی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند.
۵. در مطالعه فرایندهای مقایسه، نقش محوری دارند.
۶. معیارهایی هستند برای متقاعد کردن یا تحت نفوذ قرار دادن دیگران
۷. معیارهایی هستند که نشان می‌دهند، چگونه می‌توان اعتقادات، طرز تلقی‌ها و اقدامات خود را که ممکن است از لحاظ شخصی و اجتماعی غیرقابل پذیرش باشند منطقی جلوه داد و توجیه کرد (روکیچ، ۱۹۷۳).

نظریات جامعه‌شناختی درباره‌ی ارزش

نظریه کنش با ظهور خود به ترکیب دو نوع نگرش ذهنی و عینی می‌پردازد و در تبیین رفتار، کنش را بر اساس کیفیات درونی و جهت‌گیری بیرونی تعریف می‌نماید. نظریه‌پردازان متأخر نظیر گیدنز و بورديو مشکل نظریه کنش را با ترکیب عاملیت و ساختار حل نمودند. هتشر معتقد است که در شرایط ساختاری مشابه، افراد بواسطه ارزش‌های درونی، ترجیحات و ظرفیت برای عمل استراتژیک به انحاء گوناگون و به کنش متقابل اجتماعی می‌پردازند (هتشر، ۱۹۹۹). در این صورت، شناخت ارزش‌ها و حالات و کیفیات درونی، پیش‌بینی رفتار بیرونی را امکان‌پذیر می‌سازند.

شناخت ارزش‌ها، اعتقادات، نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های اجتماعی در حوزه فرهنگ عمومی جامعه جای می‌گیرد. فرهنگ عمومی را می‌توان نوعی برنامه‌ریزی ذهنی و جمعی یا نقشه‌شناختی در مورد موضوعات خاص زندگی یا بازتاباننده و منعکس کننده ویژگی‌های گروهی و تجارب زیسته مشترک محسوب داشت.

در الگوی فرهنگی هافستد اعمال و رفتار حول سه لایه بیرونی یعنی مناسک، قهرمان‌ها و نمادها شکل می‌گیرند. اعمال در واقع مناسک یا نماد نیستند بلکه اضافاتی بر آن محسوب می‌گردند. از نظر هافستد بیرونی‌ترین لایه به منظور تحلیل نتایج قابل مشاهده ارزش‌های فرهنگی تعبیه شده است (هافستد، ۱۹۸۰). ترنر^۱ (۱۹۹۷) نیز مدلی مشابه را از فرهنگ ارائه می‌کند. ارزش‌ها در درونی‌ترین نقطه دایره فرهنگ قرار می‌گیرد، سپس اعتقادات، نگرش‌ها و رسوم رفتاری به ترتیب لایه‌های بیرونی‌تر این دایره را تشکیل می‌دهد. در آخرین لایه، مناسک و رفتارها و همچنین مصنوعات و ساخته‌های بشر قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، با اختصاص آخرین لایه به الگوهای رفتار بشری و تولیدات مادی انسان‌ها، بین مقوله‌های رفتاری و غیررفتاری فرهنگ، می‌توان تمایز قائل شد. در مجموع و با استنتاج از نظرهای مختلف می‌توان

سطوح فرهنگ را از درونی‌ترین لایه تا بیرونی‌ترین آن به این ترتیب برشمرد:

۱- فروض بنیادی و ارزش‌های اساسی

۲- اعتقادات و نگرش‌ها

۳- هنجارها و الگوهای رفتاری (آزاده، ۱۳۸۷: ۵۸).

ارجاع به ارزش‌ها، از جمله پایدارترین صفت‌های جامعه‌شناسان کلاسیک، مثل دورکیم و وبر است. دورکیم معتقد است که کنش‌های اجتماعی افراد و مهم‌تر از آن نظم حاکم بر روابط انسان‌ها و جامعه انسانی، تحت تأثیر ارزش‌ها و نیروی اخلاقی حاکم بر افراد می‌باشد (کوزر، ۱۳۸۰).

افکار دورکیم و تا حدودی وبر در نظریات کارکردگرایان منعکس شده است. ارزش‌ها در منابع کارکردگرایی به عنوان نظام‌های ارزشی ظاهر می‌شوند که در عمل مشارکت‌کنندگان در کنش اجتماعی ساخت‌دار، راه می‌یابد و به کنش آنها انسجام، صورت و شکل می‌دهد (اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۱۸۰).

سراغاز تمامی نظریه پارسونز که در عین حال آن را در چارچوبی بسیار وسیع مطرح می‌کند، مفهوم کنش اجتماعی است. از نظر وی، کنش اجتماعی از چهار عنصر زیر تشکیل می‌شود:

۱- کنش‌گر: که می‌تواند یک فرد، یک گروه یا یک جامعه باشد.

۲- وضعیت: که شامل اشیاء فیزیکی و اجتماعی است که کنشگر با آنها ارتباط برقرار می‌کند.

۳- نمادها: که با واسطه آنها کنشگر با عناصر متفاوت وضعیت ارتباط پیدا می‌کند و برای هر یک معنایی قابل می‌شود.

۴- قواعد، هنجارها و ارزش‌ها: که جهت‌یابی کنش را هدایت می‌کنند، یعنی روابطی را که کنشگر با اشیاء اجتماعی و غیراجتماعی محیطش دارد. کارکرد دیگر نمادپردازی در کنش اجتماعی میانجی‌گری قواعد رفتار، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی است که کنشگر را در جهت‌یابی کنش‌اش راهنمایی می‌کند (روشه، ۱۳۷۶).

براساس نظرات پارسونز در عملی که از فرد سر می‌زند و او آن را کنش می‌نامد سه خصلت شامل نظام فرهنگی، نظام رفتاری و نظام شخصیتی وجود دارد. نظام فرهنگی دارای سه جزء زیر می‌باشد:

الف - باورها یا عقاید

ب - ارزش‌ها

ج - هنجارها

شخصیت آدمی که در آن مجموعه‌ای از عقاید، باورها، ارزش‌ها و هنجارها وجود دارد محصول رابطه ارگانیزم با نظام فرهنگی است. از نظر پارسونز این نظام فرهنگی است که از طریق کنترل ارگانیزم و ایجاد نظام شخصیتی و ایجاد نظام اجتماعی، زمینه

لازم را برای نظم اجتماعی و ثبات اجتماعی فراهم می‌کند (ریترز، ۱۳۸۱: ۱۳۸).
 لوو و میگل از چهار نوع ارزش و در سه سطح سخن می‌گویند. این چهار نوع ارزش عبارتند از: ارزش اخلاقی، ارزش دینی - متافیزیکی، ارزش مادی، و ارزش زیباشناختی. این ارزش‌ها در سه سطح ساختاری، پایگاهی و فردی قابل تحلیل هستند. ارزش‌ها در سطح ساختاری باعث تمایز دو جامعه از یکدیگر می‌شوند؛ در سطح دوم گروه‌های اجتماعی درون جامعه را از هم متمایز می‌کنند؛ در سطح سوم باعث تنوع ارزشی افراد می‌شوند (لوو و میگل، ۱۹۹۰). برونسو و همکارانش نیز از طریق آزمون تجربی (برونسو و همکاران، ۲۰۰۲) مدلی را ارائه می‌کنند که در آن ارزش‌ها بر شکل‌گیری سبک زندگی مؤثرند و سبک زندگی تعیین‌کننده رفتار است.
 نظام ارزشی و اوقات فراغت: فعالیت‌های اوقات فراغت، ممکن است برای بیان منظوره‌های فردی و بیان اجتماعی برگزیده شوند. به علاوه، این علایق و کنش‌ها تحت تأثیر عواملی چون نفوذ خانواده، نظام آموزشی، همسالان، رسانه‌ها، صنایع تأمین‌کننده و ترویج‌کننده برنامه‌های اوقات فراغت و تحولات اجتماعی چون افزایش بیکاری جوانان قرار دارد.

نوجوانی دوره اوج نیازهای فراغت است. جوانان در مقایسه با تمامی دیگر دوران‌های زندگی خود، وقت آزاد، فرصت‌های بیشتر و شاید مسؤلیت‌های کمتری داشته باشند. اما جوانان در این سنین، به خاطر ضعف قدرت خرید، نداشتن امکانات حمل و نقل و محدودیت‌های ایجاد شده توسط والدین و قانون، با انواع موانع رو به رو هستند. اگر چه محدودیت‌های مادی و اجتماعی اهمیت زیادی دارند، اما چه بسا محدودیت‌های روحی و روانی در عمل تأثیر بیشتری داشته باشند.

پیر بوردیو^۱ نیز بر آن است که پرورش شخصیت در خانواده‌ای خاص و در طبقه‌ای به خصوص تأثیر نیرومندی در انتخاب اوقات فراغت دارد (بوردیو، ۱۹۸۴). ساختمان ذهنی افراد، شالوده‌ای است که همه گزینه‌های اوقات فراغت بر پایه آن بنا می‌شود و آن‌ها از طریق طیفی از «شایستگی‌های فرهنگی» یا «سرمایه فرهنگی» خانواده آن را بدست می‌آورند (همان: ۳۱۹).
 شاید بتوان گفت ساختمان ذهنی بوردیو همان نظام ارزشی افراد است که به عنوان تصمیم‌گیر اوقات فراغت آنها عمل می‌کند. این ساختمان که به اعتقاد بوردیو در خانواده و محیط اجتماعی در دوران کودکی شکل می‌گیرد

چارچوب نظری

ارزش‌های اجتماعی یک نوع درجه‌بندی، طبقه‌بندی و امتیازبندی پدیده‌ها است و همان‌طور که پیش‌تر گفته شد به اذعان پارسونز، روکیچ و دیگران ارزش بر انتخاب شیوه‌ها، وسایل و اهداف

موجود برای کنش اثر می‌گذارد، در هر چیزی از نوع پوشیدن لباس گرفته تا غذا خوردن، از استراحت و بازی کردن گرفته تا نحوه تفکر و اندیشیدن. پس ارزش‌ها بر حسب مضمون معیارهایی برای تشخیص و انتخاب را فراهم می‌آورند و یا خود انگیزش افراد را جهت داده و آنگاه رفتار و گزینش‌های آنان را تعیین می‌کنند.

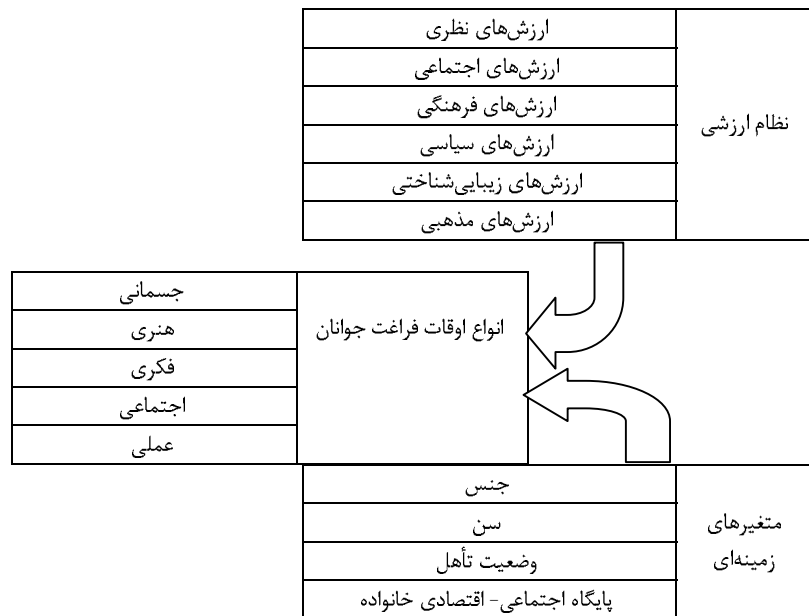
بنا به نظر اسپرانگر در هر فردی یکی از تیپ‌های نظری، اقتصادی، زیبایی‌گرا، اجتماعی، سیاسی و مذهبی برجسته هست در کار پارسنز مشابه چنین تقسیم‌بندی از ارزش‌ها به چشم می‌خورد. او ارزش‌ها را به اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تقسیم می‌کند. از نظر پارسنز قواعد، هنجارها و ارزش‌ها همانند چراغ راهنما برای کنش انسانی هستند و جهت‌یابی کنش را برعهده دارند. او برای ربط ارزش و رفتار و یا به عبارتی دیگر الگوهای ارزشی- رفتاری از مفهوم «متغیر الگویی» استفاده می‌کند.

تعریفی از سبک زندگی که آن را مجموعه رفتارها می‌داند، ما را به رابطه ارزش‌ها و نظام ارزشی با سبک زندگی افراد خواهد رساند و از آن جایی که رفتارها و فعالیت‌های فراغتی زیرمجموعه سبک زندگی هستند رابطه و تاثیر ارزش‌ها و نظام ارزشی را بر فعالیت فراغتی خواهیم داشت.

از سوی دیگر فعالیت‌های فراغت نیز انواعی دارد که مبنای دسته‌بندی این پژوهش دسته‌بندی دومزیه است. وی، فعالیت‌های فراغتی به ۵ نوع جسمانی (شامل ورزش‌های مختلف، قدم زدن، استراحت، دراز کشیدن، مسافرت و تعطیلات)، هنری (نظیر بازدید از موزه ها و بناهای یادبود، شرکت در جشن‌های مختلف، رفتن به سینما، تئاتر، کنسرت، نقاشی و نواختن موسیقی)، عملی (مثل کارهای دستی از قبیل سفال‌سازی، باغبانی، سوزن‌دوزی)، این نوع از فراغت به ویژه در بین افراد کم درآمد بیشتر رایج است. فکری (شامل مطالعه روزنامه‌ها، مجلات و کتب مختلف می‌باشد. همچنین، گوش دادن به رادیو و تماشای تلویزیون در این طبقه قرار می‌گیرد. و سرانجام فراغت اجتماعی (نظیر انواع تفریحات، دید و بازدیدها، گرد هم‌آیی‌های دوستانه، دوره‌های مختلف خانوادگی و... است)، تقسیم می‌شود (دومزیه، ۱۹۷۴). براساس مطالب پیشین و نظریات بورديو (۱۹۸۶)، پرونووست (۱۳۸۶) و نویسندگان کتاب «اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان» می‌توان گفت که انتخاب یا اولویت دادن به این فراغت‌ها می‌تواند تحت تأثیر نظام ارزشی افراد قرار گیرد. بدین معنا که هر شخصی بسته به تیپ ارزشی قطبی شده، نوع خاصی از فعالیت‌های فراغتی را انتخاب می‌کند. اما این که کدام تیپ ارزشی کدام فعالیت فراغتی را ترجیح می‌دهد، قطعیتی وجود ندارد.

انتخاب یک نوع فعالیت فراغتی تابع عوامل دیگری نظیر سن، جنس، طبقه اجتماعی، تحصیلات و درآمد می‌باشد که در این تحقیق به این عوامل خواهیم پرداخت. در تحقیق حاضر سعی شده از دیدگاهی جامع به بررسی نحوه گذاران اوقات فراغت پرداخته شود ولی تأکید فوق‌العاده‌ای

بر ارزش‌ها و نظام ارزشی گذارده شده است. بر این اساس مدل زیر که از چهارچوب نظری و مرور مطالعات اخذ شده تحقیق را هدایت خواهد کرد:



نمودار شماره ۱: مدل تحقیق

فرضیات اصلی

- ۱- بین میزان گرایش جوانان به ارزش‌های نظری و نحوه گذران اوقات فراغت آنها رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.
- ۲- بین میزان گرایش جوانان به ارزش‌های اقتصادی و نحوه گذران اوقات فراغت آنها رابطه معنادار وجود دارد.
- ۳- بین میزان گرایش جوانان به ارزش‌های هنری و نحوه گذران اوقات فراغت آنها در زمینه هنر رابطه معنادار وجود دارد.
- ۴- با بالاتر رفتن گرایش به ارزش اجتماعی در بین جوانان، میزان مشارکت آنها در فراغت‌های اجتماعی بیشتر خواهد بود.
- ۵- جوانانی که به ارزش سیاسی گرایش بیشتری داشته باشند، فراغت جسمانی بیشتری خواهند داشت.
- ۶- گرایش مذهبی بیشتر جوانان، آنان را به فراغت اجتماعی بیشتری سوق خواهد داد.

فرضیات فرعی

۱. جوانان با پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا، مشارکت بیشتری در فراغت هنری دارند.
۲. پسران بیشتر در فراغت جسمانی و دختران بیشتر در فراغت عملی شرکت می‌کنند.
۳. جوانان مجرد بیشتر از جوانان متأهل به فراغت هنری می‌پردازند.

روش، واحد مشاهده و واحد تحلیل

روش مورد استفاده در این تحقیق «پیمایش» می‌باشد که در آن برای سنجش ارزش‌ها از پرسشنامه آلپورت (آلپورت، ۱۹۵۵) و شوارتز (۱۹۹۲) برای متغیرهای زمینه‌ای و نحوه گذران اوقات فراغت از پرسشنامه ساختمان و خودگزارشی استفاده شده است. همچنین واحد مشاهده فرد و واحد تحلیل در این تحقیق «فرد» می‌باشد.

جمعیت و نمونه آماری

جمعیت آماری در این تحقیق تمام جوانان پسر و دختر شهرستان «دشت‌آزادگان» است. همچنین نمونه آماری تمام جوانان پسر و دختری است که از طریق روش نمونه‌گیری از جمعیت آماری انتخاب شده است. شایان ذکر است که در این تحقیق تعریف جوان، با استفاده از تعریف سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) که افراد ۱۵-۲۹ ساله را جوان می‌داند و تعریف مرکز آمار ایران^۱ (۱۳۸۷) که افراد بین ۱۸-۱۲ سال را به عنوان نوجوان در نظر می‌گیرد، ساخته شده است. در این تحقیق، منظور از جوان فردی است که در فاصله سنی ۱۹-۲۹ سال می‌باشد. با توجه به اینکه طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت جوانان شهرستان دشت‌آزادگان ۳۲۲۹۹ نفر بوده که تعداد ۱۶۸۸۴ نفر از آنها مرد و ۱۵۴۱۵ نفر زن می‌باشند، بنابراین نسبت پسران به دختران ۵۲ به ۴۸ می‌باشد. حجم نمونه در این تحقیق از فرمول کوکران استخراج شده است:

$$n = \frac{N.t^2.s^2}{N.d^2 + t.s^2}$$

که در آن N (جمعیت آماری)، d (احتمال خطا)، s (واریانس)، t (درجه اطمینان) به ترتیب ۳۲۲۹۹، ۰/۰۵، ۰/۰۵، ۱/۹۶ می‌باشد که با جایگذاری این مقادیر در فرمول حجم نمونه ۳۸۲ نفر بدست می‌آید. اما با توجه به احتمال ریزش در پرسشنامه‌ها، نمونه به ۴۲۰ نفر ارتقاء یافت که بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص، حجم نمونه ۳۹۶ نفر تعیین گردید که با توجه به نسبت پسر به دختر در جمعیت آماری، ۲۰۸ نفر آن پسر و ۱۸۸ نفر دختر خواهند بود. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی استفاده شده است.

۱. این تعریف از سایت مرکز آمار ایران به آدرس، www.sci.org.ir اخذ شده است.

تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

نحوه گذران اوقات فراغت؛ تعریف نظری: «گذران اوقات فراغت در برگیرنده مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد با کمال میل بدان پردازد، خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن، بدون توجه به اهداف مادی و خواه برای مشارکت اجتماعی ارادی و بسط توان آزاد و خلاقش، بعد از آنکه از الزامات حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی فارغ گشت» (بیرو، ۱۳۷۳: ۲۰۳).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش دسته‌بندی دومازیه از اوقات فراغت ملاک قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۱، توزیع فراوانی نمونه تحقیق را بر حسب ویژگی‌های جمعیتی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: چگونگی توزیع فراوانی پاسخگویان براساس متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	فراوانی	درصد
جنس	زن	۱۸۸ / ۴۷ / ۵
	مرد	۲۰۸ / ۵۲ / ۵
وضع تأهل	مجرد	۲۹۱ / ۷۳ / ۵
	متأهل	۹۱ / ۲۳
	مطلقه	۱۴ / ۳ / ۵
گروه سنی	پایین (۱۹-۲۲)	۱۷۸ / ۴۵ / ۲
	متوسط (۲۳-۲۶)	۱۳۱ / ۳۳ / ۱
	بالا (۲۷-۲۹)	۸۷ / ۲۱ / ۷
میزان تحصیلات	راهنمایی و کمتر	۲۶ / ۵ / ۱
	دیپلم	۱۷۲ / ۴۳ / ۵
	فوق دیپلم و بالاتر	۲۰۳ / ۵۱ / ۴
وضع اشتغال	شاغل	۱۴۰ / ۳۵ / ۴
	بی کار	۲۵۶ / ۶۴ / ۶
درآمد پاسخگو	پایین (تا ۴۰۰ هزار تومان)	۱۹۵ / ۴۹ / ۳
	متوسط (۴۰۱ تا ۸۰۰ هزار تومان)	۱۷۶ / ۴۴ / ۴
	بالا (۸۰۱ هزار تومان به بالا)	۲۵ / ۶ / ۳

براساس داده‌های جدول ۱ می‌توان گفت؛ ۵۲/۵ درصد پاسخگویان را مردان و ۴۷/۵ درصد آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین، ۴۳/۲ درصد در سنین ۱۹-۲۲ و پس از آن ۱/۳۳ درصد

در گروه سنی متوسط یعنی ۲۳-۲۶ قرار دارند. بیشترین پاسخگویان دارای تحصیلات فوق دیپلم به بالا (۴/۵۱) و پس از آن افراد دارای تحصیلات دیپلم با ۵/۴۳ درصد می‌باشند. ۶۴/۶۴ درصد از پاسخگویان بیکار و بقیه شاغل هستند. بیشترین پاسخگویان (۳/۴۹ درصد) دارای درآمدی کمتر از ۴۰۰ هزار تومان و ۴/۴۴ درصد از درآمدی بین ۴۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان برخوردارند. بیشترین درصد پدران پاسخگویان (۳/۵۳ درصد) دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر قرار دارند. در حالی که، حدود ۱/۸۸ درصد مادران پاسخگویان به گروه دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر تعلق دارند

جدول شماره ۲: چگونگی توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب متغیرهای مستقل

متغیر	مقدار	فراوانی	درصد	میانگین از ۱۰۰
ارزش نظری	کم	۲۳	۵/۸	۱۰/۴۷
	متوسط	۲۲۶	۵۷/۱	
	زیاد	۱۴۷	۳۷/۱	
ارزش اقتصادی	کم	۵۱	۱۴/۱	۲۱/۴
	متوسط	۲۵۲	۶۳/۶	
	زیاد	۸۸	۲۲/۳	
ارزش هنری	کم	۲۲۶	۵۷/۱	۹/۶
	متوسط	۱۵۳	۳۸/۶	
	زیاد	۱۷	۴/۳	
ارزش اجتماعی	کم	۳۰	۷/۱	۱۰/۵
	متوسط	۲۵۵	۶۴/۴	
	زیاد	۱۱۱	۲۸/۱	
ارزش سیاسی	کم	۲۲۶	۵۷/۱	۱۱/۵
	متوسط	۱۵۳	۳۸/۶	
	زیاد	۱۷	۴/۳	
ارزش مذهبی	کم	۳۰	۷/۶	۹/۶
	متوسط	۲۵۵	۶۴/۴	
	زیاد	۱۱۱	۲۸/۱	

داده‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که وضعیت توزیع پاسخگویان از نظر ابعاد مختلف

متغیرهای مستقل نظام ارزشی بدین ترتیب است: در مقوله‌های ارزش نظری، ارزش اقتصادی، ارزش اجتماعی و ارزش مذهبی بیشترین درصد پاسخگویان در دسته متوسط و پس از آن دسته زیاد تعلق دارند. در حالی که، در ارزش هنری و سیاسی بیشترین درصد به دسته کم و پس از آن دسته متوسط قرار دارند.

در زمینه میانگین نمرات نظام‌های ارزشی توزیع پاسخگویان بدین ترتیب است: ارزش نظری (۵۷/۸۲)، ارزش مذهبی (۵۵/۸۱)، ارزش اجتماعی (۵۴/۷۸)، ارزش اقتصادی (۵۳/۰۶)، ارزش هنری (۳۹/۸۱) و ارزش سیاسی (۳۹/۱).

جدول شماره ۳: چگونگی وضعیت پاسخگویان در انواع فراغت‌ها در نمونه مورد مطالعه

انحراف معیار	میانگین	درصد	فراوانی	سطح	انواع فراغت
۰ / ۸۱	۳ / ۲۲	۱۹	۷۵	کم	فراغت‌های جسمانی
		۴۱ / ۷	۱۶۵	متوسط	
		۳۹ / ۳	۱۵۶	زیاد	
۰ / ۸	۱ / ۹۹	۷۵ / ۷	۳۰۰	کم	فراغت‌های هنری
		۲۱ / ۲	۸۴	متوسط	
		۳ / ۱	۱۲	زیاد	
۰ / ۸	۲ / ۵۹	۴۷ / ۵	۱۸۸	کم	فراغت‌های عملی
		۴۰ / ۸	۱۶۲	متوسط	
		۱۱ / ۷	۴۶	زیاد	
۰ / ۸۳	۳ / ۰۵	۲۳ / ۵	۹۳	کم	فراغت‌های فکری
		۴۷ / ۹	۱۹۰	متوسط	
		۲۸ / ۶	۱۱۳	زیاد	
۰ / ۹۴	۳ / ۱	۲۶ / ۰	۱۰۳	کم	فراغت‌های اجتماعی
		۴۲ / ۹	۱۷۰	متوسط	
		۳۱ / ۱	۱۲۳	زیاد	

داده‌های جدول ۳ در باب چگونگی توزیع پاسخگویان بر اساس انواع فعالیت‌های فراغتی بدین شرح است: در فراغت‌های جسمانی، فکری و اجتماعی بیشترین درصد در دسته متوسط و پس از آن زیاد قرار دارند. در حالی که، در فراغت‌های هنری و عملی بیشترین درصد به دسته کم و پس از آن دسته متوسط تعلق دارند.

جدول شماره ۴: نحوه گذران اوقات فراغت پاسخگویان (بر حسب درصد)

انواع فراغت	فعالیت فراغتی	همیشه	گاهی	هیچوقت
فراغت جسمانی	پیاپاده روی	۵۲/۵	۳۰/۳	۱۵/۲
	مسافرت و پیک نیک	۲۴/۸	۴۰/۲	۳۲/۸
فراغت هنری	نقاشی و خطاطی	۱۰/۹	۱۵/۹	۶۹/۷
	رفتن به سینما	۴/۸	۱۵/۹	۷۵/۲
فراغت عملی	کمک به کارهای خانه	۵۰	۲۳/۲	۲۳/۸
	انجام فعالیت‌های مذهبی در منزل	۴۵/۷	۳۰/۱	۱۸/۱
فراغت فکری	تماشای تلویزیون	۴۶	۴۳/۴	۹/۶
	رفتن به کتابخانه	۲۱/۷	۳۷/۴	۳۷/۹
فراغت اجتماعی	دید و بازدید و میهمانی	۴/۶	۴۳/۴	۱۴/۹
	شرکت در جلسات هفتگی مذهبی	۲۸	۳۰/۸	۳۸/۴

جدول ۴، حاوی یافته‌های قابل توجهی است به طوری که جوانان در فراغت جسمانی، بیشترین فعالیت فراغتی‌شان، پیاپاده روی بوده است. ۵۲/۵ درصد پاسخگویان این نوع فراغت را همیشه انجام می‌دادند. میانگین آن نیز مؤید این امر می‌باشد.

در فراغت‌های هنری بیشترین فراغتی که جوانان انجام می‌دهند خطاطی و نقاشی کردن با ۱۰/۹ درصد همیشه به این امور مبادرت می‌ورزند. اما فراغت‌هایی مثل رفتن به سینما، تئاتر و موسیقی از جمله فعالیت‌هایی هستند که جوانان انگشت‌شماری همیشه به آنها می‌پردازند. شاید دلیل این امر وضعیت سنتی شهرستان و نامطلوب تلقی شدن این فراغت‌ها از یک سو، و نبود چنین امکاناتی از سوی دیگر باشد. در فراغت‌های عملی، بیشترین درصد پاسخگویان که همیشه به آنها می‌پردازند؛ مربوط به فعالیت‌های مذهبی و کمک به کارهای منزل به ترتیب با ۵۰ درصد و ۴۵/۷ درصد می‌باشد.

از بین فراغت‌های فکری، فراغتی که جوانان همواره به آن می‌پردازند، تماشای تلویزیون با ۴۶ درصد بوده است. کمترین فراغت فکری رفتن جوانان به کتابخانه است؛ یعنی ۷/۲۲ درصد همیشه به کتابخانه می‌روند در مقابل ۷/۱۵ درصد هرگز به کتابخانه نمی‌روند. در فراغت‌های اجتماعی نیز آنچه قابل توجه است دید و بازدید پاسخگویان و مهمانی رفتن آنها در اوقات فراغت‌شان بوده که درصد بالایی (۴۰/۶ درصد) از آنها همواره به این امور می‌پردازند. کمترین فعالیت فراغت اجتماعی پاسخگویان مربوط به شرکت جوانان در جلسات هفتگی مذهبی بوده که نزدیک به ۲۸ درصد آنها همیشه در این جلسات شرکت می‌کنند.

آزمون فرضیات تحقیق

لازم است در این قسمت، اشاره شود که با توجه به اینکه متغیرهای تحقیق، اعم از مستقل و وابسته در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شده است؛ لذا به منظور بررسی رابطه آنها در آزمون فرضیه‌های اصلی و فرعی تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. از آنجا که فرضیات اول تا هفتم تحقیق با استفاده از آزمون پیرسون سنجش شده است، جدول شماره ۵ نتایج آزمون فرضیات ۱ تا ۷ تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵: محاسبه ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای فرضیات ۱ تا ۷ تحقیق

همبستگی پیرسون و سطح معنی داری متغیرهای اصلی	متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	مقدار پیرسون	سطح معنی داری
فرضیه اول	ارزش‌های نظری	فراغت فکری	۰/۱۳	۰/۰۱
فرضیه دوم	ارزش‌های اقتصادی	فراغت عملی	-۰/۰۴	۰/۳۷
فرضیه سوم	ارزش‌های هنری	فراغت هنری	۰/۲۲	۰/۰۱
فرضیه چهارم	ارزش‌های اجتماعی	فراغت اجتماعی	۰/۱۰	۰/۰۵
فرضیه پنجم	ارزش‌های سیاسی	فراغت جسمانی	۰/۰۵	۰/۳۳
فرضیه ششم	ارزش‌های مذهبی	فراغت اجتماعی	۰/۱۱	۰/۰۵
فرضیه هفتم	پایگاه اقتصادی اجتماعی	فراغت هنری	۰/۱۹	۰/۰۱

فرضیه اول: «هرچه گرایش به ارزش نظری در میان جوانان بیشتر باشد، فراغت فکری آنها بیشتر خواهد بود.» همچنان که داده‌های جدول بالا، نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین میزان گرایش جوانان به ارزش‌های نظری و فراغت فکری آنها ۰,۱۳ با احتمال خطای ۰,۰۱ معنی دار است. بدین ترتیب، می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان رابطه ادعا شده در فرضیه اول، را اثبات شده دانست.

فرضیه دوم: «گرایش بیشتر جوانان به ارزش اقتصادی، مشارکت بیشتر آنها را در فراغت‌های عملی در پی خواهد داشت.» در آزمون فرضیه دوم، ضریب همبستگی بین میزان گرایش جوانان به ارزش‌های اقتصادی و مشارکت در فراغت‌های عملی -۰,۰۴ می‌باشد. با توجه به مقدار آزمون معنی‌داری، رابطه این دو متغیر معنی‌دار نشده و فرض وجود رابطه بین گرایش جوانان به ارزش‌های اقتصادی و نحوه گذران اوقات فراغت عملی آنها رد می‌گردد.

فرضیه سوم: «هرچه جوانان به ارزش هنری گرایش بیشتری داشته باشند، به فراغت‌های هنری بیشتر خواهند پرداخت.» در آزمون فرضیه سوم، همبستگی بین گرایش به ارزش هنری و انجام فراغت هنری ۰/۲۲ می‌باشد. به عبارت دیگر به میزان ۰/۲۲ تغییرات میزان گرایش به ارزش هنری با انجام فراغت‌های هنری همراه است که این رابطه به لحاظ آماری با احتمال ۰/۰۱ خطا معنی‌دار شده است. بدین ترتیب، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان حکم کرد که هر چه جوانان بیشتر به زیبایی‌ها و وقایع هنری گرایش نشان دهند، به احتمال زیادی آنها در اوقات فراغت خود، به فعالیت‌های هنری از قبیل موسیقی، رفتن به سینما، بازدید از نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های هنری می‌پردازند

فرضیه چهارم: «با بالاتر رفتن گرایش به ارزش اجتماعی در بین جوانان، میزان مشارکت آنها در فراغت‌های اجتماعی بیشتر خواهد شد.» در آزمون فرضیه، ضریب همبستگی بین میزان گرایش جوانان به ارزش‌های اجتماعی و فراغت‌های اجتماعی ۰/۱۰ می‌باشد. به عبارت دیگر به میزان ۰/۱۰ گرایش جوانان به ارزش‌های اجتماعی با تغییرات فراغت‌های اجتماعی آنها همراه است و این رابطه مثبت و به لحاظ آماری معنی‌دار است.

فرضیه پنجم: «جوانانی که به ارزش‌های سیاسی گرایش بیشتری داشته باشند، فراغت جسمانی بیشتری خواهند داشت.» ضریب همبستگی بین گرایش به ارزش سیاسی و فراغت جسمانی ۰/۰۵ بدست آمده که به لحاظ مقدار آزمون معنی‌داری (۰/۳۳) رابطه اثبات نشده و در نتیجه فرضیه پنجم رد می‌شود.

فرضیه ششم: «هر چه گرایش مذهبی جوانان بیشتر، آنان به فراغت اجتماعی بیشتری روی خواهند آورد.» مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر نشان می‌دهد که این دو متغیر با احتمال خطای ۰/۰۵ با یکدیگر رابطه معنی‌داری دارند که مقدار آن ۰/۱۱ می‌باشد. اما رابطه مطروحه در فرضیه ششم، به صورت ضعیفی اثبات می‌شود.

فرضیه هفتم: بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و نحوه گذران اوقات فراغت جوانان رابطه وجود دارد، یعنی جوانان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، مشارکت بیشتری در فراغت هنری دارند. ضریب همبستگی بین این دو متغیر برابر با ۰/۱۹ و با احتمال خطای ۰/۰۱ معنی‌دار شده است. به طوری که هر چه جوانان به طبقه اجتماعی بالا متعلق باشند، آنها زمان بیشتری از اوقات فراغت‌شان را به فراغت‌های هنری از جمله رفتن به سینما، موسیقی، بازدید از جشنواره‌ها و نمایشگاه‌ها، نقاشی و خطاطی کردن اختصاص می‌دهند. این یافته بدلیل اینکه فراغت‌های هنری نیاز به امکانات مادی و همچنین بنیة فرهنگی قوی دارد دور از انتظار نبود.

فرضیه هشتم: بین جنس جوانان و نحوه گذران اوقات فراغت آنها اختلاف معنی‌داری وجود

دارد، بدین معنی که پسران بیشتر در فراغت جسمانی و دختران بیشتر در فراغت عملی شرکت می‌کنند.

جدول شماره ۶: مقایسه میانگین نحوه گذران اوقات فراغت بین پسران و دختران

معناداری دو دامنه	درجه آزادی	ارزش T	واریانس‌ها	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۰/۰۰	۳۶۶	-۴/۸۸	ناهمسان	۱۳/۵	۵۹/۴۵	۲۰۸	پسران
				۱۶/۱۴	۵۳/۴۵	۱۸۸	دختران
۰/۰۴۴	۳۹۴	۲/۷۵	همسان	۳۲/۱۵	۹۸/۴۲	۲۰۸	پسران
				۱۵/۲۴	۰۹/۴۶	۱۸۸	دختران

عملی

بر طبق جداول مربوط به آزمون T، میانگین فراغت جسمانی در بین مردان برابر با ۵۹/۴۵ از نمره ۱۰۰ و در بین زنان برابر با ۵۳/۴۵ بدست آمده است. با توجه به نتایج آزمون لون که فرض همسانی واریانس‌ها معنی‌دار شده، به نتایج T، با فرض ناهمسانی واریانس نگاه می‌کنیم که در ردیف دوم مقدار T برابر با ۳/۹۸ و سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۰ می‌باشد؛ بنابراین از لحاظ آماری اختلاف مشاهده شده بین دختران و پسران از حیث فراغت‌های جسمانی معنی‌دار می‌باشد و فرض اختلاف معنی‌داری بین جنس و نحوه گذران اوقات فراغت تأیید می‌شود. با توجه به اینکه اختلاف معنی‌داری بین زنان از حیث فراغت‌های عملی وجود دارد، می‌توان چنین قضاوت کرد که حداقل با احتمال خطای ۰/۰۵ پسران بیشترین اوقات فراغت خود را به فراغت‌های جسمانی و دختران به فراغت‌های عملی اختصاص می‌دهند.

فرضیه نهم: بین وضعیت تأهل جوانان و نحوه گذران اوقات آنها اختلاف معنی‌داری وجود دارد، به طوری که جوانان مجرد بیشتر از جوانان متأهل به فراغت‌های هنری می‌پردازند.

جدول شماره ۷: مقایسه میانگین نحوه گذران اوقات فراغت بین جوانان مجرد و متأهل

معناداری دو دامنه	درجه آزادی	ارزش T	واریانس‌ها	انحراف معیار	میانگین	تعداد	گروه‌ها
۰/۲۰	۳۸۰	۲/۲۹	همسان	۱۵/۶۲	۷۱/۳۲	۲۹۱	مجرد
				۱۵/۵۱	۲۸/۴۳	۹۱	متأهل

هنری

بر طبق جداول مربوط به آزمون T، میانگین فراغت هنری در بین جوانان مجرد برابر با ۳۲/۷۱

از نمره ۱۰۰ و در بین جوانان متأهل برابر با ۲۸/۴۳ بدست آمده است. با توجه به نتایج آزمون لون که فرض همسانی واریانس‌ها معنی‌دار نشده، با همین فرض به نتایج T، نگاه می‌کنیم که در ردیف اول مقدار T برابر با ۲/۲۹ و سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۲۳ می‌باشد؛ بنابراین از لحاظ آماری اختلاف مشاهده شده بین جوانان مجرد و متأهل از حیث فراغت‌های هنری معنی‌دار می‌باشد و فرض اختلاف معنی‌داری بین وضعیت تأهل و نحوه گذران اوقات فراغت تأیید می‌شود. بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر انواع فراغت به تفکیک (رگرسیون چند متغیره^۱).

جدول شماره ۸: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر فراغت جسمانی

منغبر	بنا	اف	سطح معناداری
ارزش مذهبی	-۰/۱۵	۱-۵	۲/۷۹
ارزش هنری	-۰/۱۰	۲-۵	۰/۰۴

در اجرای رگرسیون متغیرهای مستقل بر روی متغیر فراغت جسمانی، ابتدا همه متغیرها وارد تحلیل شد که پس از حذف متغیرهای غیرمعنی‌دار، دو متغیر گرایش مذهبی و گرایش به زیبایی در معادله باقی ماندند. همبستگی این دو متغیر با فراغت جسمانی برابر با ۰/۱۶ و ضریب تعیین برابر با ۰/۰۳ بدست آمده است، بدین معنی که این دو متغیر با یکدیگر توانسته‌اند ۳ درصد از واریانس فراغت جسمانی را تبیین کنند. همچنین ضرایب رگرسیونی بیانگر این است که تأثیر گرایش مذهبی به میزان -۰/۱۵ بر روی فراغت جسمانی است. به این معنی که به ازای یک واحد تغییر در گرایش مذهبی جوانان، ۱۵ درصد تغییر در فراغت جسمانی آنها قابل برآورد است. به عبارتی هر چه گرایش جوانان به ارزش مذهبی بیشتر باشد، کمتر احتمال دارد آنها در گذران اوقات فراغت‌شان، به فراغت جسمانی روی آورند. تأثیر ارزش هنری نیز برابر با -۰/۱۰ است بدین معنی که به ازای یک واحد تغییر در گرایش زیبایی جوانان، ۱۰ درصد تغییر در فراغت جسمانی آنها قابل برآورد است. تأثیر گرایش زیبایی بر متغیر وابسته در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

۱. در این تحقیق برای اجرای رگرسیون چند متغیره از روش Backward استفاده شده است.

جدول شماره ۹: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر فراغت هنری

متغیر	بنا	اف	سطح معناداری
ارزش هنری	۰/۲۰	۳-۵	۱۰/۲۹
پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۰/۱۵		۴-۵
سن	-۰/۱۲		۰/۰۰

بر طبق جدول ۹، سه متغیر گرایش به ارزش هنری، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و سن توانسته ۹ درصد از تغییرات فراغت هنری را تبیین کنند. سطح معنی‌داری F دال بر تأثیر معنی‌دار حداقل یکی از متغیرهای مدل بر روی فراغت هنری است. از بین این سه متغیر، گرایش به ارزش هنری با ۲۰ درصد بیشترین تأثیر را روی فراغت هنری دارد. با توجه به این ضرایب می‌توان اینگونه استنباط کرد. هر چه جوانان زیباگرا باشند و همین‌طور آنها متعلق به طبقه اجتماعی بالایی باشند، آنها بیشترین اوقات فراغت‌شان را به فراغت‌های هنری اختصاص می‌دهند به ویژه آنها در سنین پایین دوره جوانی باشند.

جدول شماره ۱۰: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر فراغت عملی

متغیر	بنا	اف	سطح معناداری
ارزش هنری	۰/۲۵	۲۲/۱	۰/۰۰۰

از بین متغیرهای مستقل تحقیق حاضر، فقط پایگاه اجتماعی-اقتصادی در مدل رگرسیونی متغیر فراغت عملی باقی ماند و توانست ۶ درصد واریانس این متغیر را تبیین کند. تأثیر این متغیر بر فراغت عملی برابر با ۲۵ درصد محاسبه شده است، به این معنی که هر چه جوانان متعلق به طبقه اجتماعی بالایی باشند، آنها بیشتر وقت‌شان را به فراغت‌های دستی یا عملی اختصاص می‌دهند.

جدول شماره ۱۱: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر فراغت فکری

متغیر	بنا	اف	سطح معناداری
ارزش مذهبی	-۰/۲۱		
سن	-۰/۱۹		
ارزش اقتصادی	-۰/۱۷	۴/۵۹	۰/۰۰۰
ارزش زیبایی	-۰/۱۷	۵-۵	
تحصیلات	۰/۱۵	۶-۵	

از بین متغیرهای مستقل تحقیق، پنج متغیر فوق در جدول توانسته ۸ درصد از واریانس فراغت هنری را تبیین کنند. ضریب همبستگی چندگانه این پنج متغیر با متغیر وابسته برابر با ۰/۲۸ بدست آمده است. از بین این متغیرها، گرایش مذهبی با ۲۱ درصد بیشترین تأثیر و تحصیلات جوانان با ۱۵ درصد کمترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته دارند. با توجه به ضرایب رگرسیونی، می‌توان چنین تحلیل کرد که هر چه گرایش جوانان به ارزش‌های مذهبی، اقتصادی و هنری بیشتر باشد و از طرفی آنها در سنین بالا باشند و نیز تحصیلات آنها در سطح بالایی نباشد، آنها کمتر احتمال دارد به سوی فراغت‌های فکری رو آورند و بر عکس این امر نیز قابل تفسیر است.

جدول شماره ۱۲: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر فراغت اجتماعی

متغیر	بتا	اف	سطح معناداری
ارزش اجتماعی	۰/۲۲	۳/۲۵	۰/۰۰۸
ارزش مذهبی	۰/۱۹		
ارزش اقتصادی	۰/۱۸		
ارزش سیاسی	۰/۱۷		
ارزش نظری	۰/۱۱		

در بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر فراغت اجتماعی، پنج متغیر فوق در جدول ۱۲ به طور همزمان توانسته‌اند، ۵ درصد از واریانس فراغت اجتماعی را تبیین کنند. از بین این متغیرها، ارزش اجتماعی بیشترین تأثیر و ارزش نظری کمترین تأثیر را بر روی متغیر فراغت اجتماعی دارند. به ازای یک واحد تغییر در گرایش به ارزش اجتماعی جوانان، ۲۲ درصد تغییر در فراغت اجتماعی آنها قابل برآورد است. به طور کلی نیز می‌توان چنین استنباط کرد که هر چه در بین افراد نمونه گرایش به ارزش‌های اجتماعی، مذهبی، اقتصادی، سیاسی و نظری بیشتر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که آنها در نحوه گذران اوقات فراغت‌شان، به فراغت‌های اجتماعی روی آورند.

جدول شماره ۱۳: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر میزان اوقات فراغت

متغیر	بتا	اف	سطح معناداری
بایگه اجتماعی - اقتصادی	۰/۱۲	۵/۶۴	۰/۰۰۴
سن	-۰/۱۲		

از بین متغیرهای مستقل تحقیق، فقط پایگاه اجتماعی-اقتصادی و سن در مدل رگرسیونی متغیر میزان اوقات فراغت باقی ماندند و توانستند ۳ درصد واریانس این متغیر را تبیین کنند. هر کدام از متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی و سن به تنهایی با یک واحد تغییر، ۱۲ درصد تغییر در میزان فراغت بیشتری برای جوانان با پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین و سن بالا نشان می‌دهند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که انتظار می‌رفت و تحقیقات پیشین مانند، ذکایی (۱۳۸۵)، مطالعه ملی گذران اوقات فراغت در بین جوانان (۱۳۷۶)، محسنی (۱۳۷۹)، میرهاشمی و نجفی‌زند (۱۳۷۸)، رجب‌زاده (۱۳۸۰)، چانگ (۲۰۰۱) و دیان (۲۰۰۶) تأیید کرده بودند؛ جوانان مدت زمان بیشتری از وقت آزاد خود را فراغت‌های جسمانی مانند ورزش و پیاده‌روی و استراحت، و فراغت‌های فکری مانند تماشای تلویزیون و مطالعه کتاب اختصاص می‌دهند. همچنین دو فراغت عملی کمک در کارهای خانه و انجام فعالیت‌های مذهبی در منزل از میانگین بالایی (۲/۵۴ و ۲/۵۰) برخوردار هستند که احتمالاً دال بر اهمیت دو نهاد خانواده و دین در زندگی جوانان دشت آزادگان دارد. همچنین پسران بیشتر از دختران به فراغت‌های جسمانی، مانند ورزش و مسافرت و پیک‌نیک و پیاده‌روی و رفتن به مراکز تفریحی (فراغت‌های خارج از منزل) می‌پردازند. این امر شاید به این دلیل باشد که در حال حاضر توجه به مدیریت بدن تبدیل به یک هنجار جهانی شده و این امر به دلیل استفاده از تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در میان پسران ایرانی نیز رواج پیدا کرده است. ضمن این که، در جوامع دارای بافت سنتی‌تر مثل دشت آزادگان امکانات مربوط انجام فعالیت‌های فراغت عملی برای پسران در مقایسه با دختران بیشتر فراهم است. این یافته در مورد فراغت‌های عملی مانند کارهای دستی (خیاطی، گلدوزی) و کمک در کارهای خانه (فراغت‌های داخل منزل) برعکس است، یعنی دختران بیشتر از پسران به این گونه فراغت‌ها می‌پردازند. این نتیجه با نتایج تحقیقات «پیمایش فرهنگ، اوقات فراغت و ورزش در انگلستان» (۲۰۰۷) میرهاشمی و نجفی‌زند (۱۳۷۸)، ذکایی (۱۳۸۵) مطابقت دارد.

نتایج به دست آمده از میزان انجام فعالیت‌های فراغتی نشان از گسترش کمی این اوقات در بین جوانان دارد که در صورت عدم استفاده مطلوب و منطقی از چنین اوقاتی و سپری کردن منفعلانه آنها مسأله‌ساز بودنشان روشن خواهد بود، لذا در این تحقیق سعی شد به عوامل مؤثر بر نحوه گذران اوقات فراغت از جمله نظام ارزشی که در پژوهش‌های پیشین مورد غفلت واقع شده بود پرداخته شود که در این راستا رابطه ارزش‌ها و فراغت‌هایی مانند نظری و فکری، اجتماعی و اجتماعی، هنری، مذهبی و اجتماعی که با هم سنخیت بیشتری داشتند تأیید شد.

همچنین گرایش بیشتر جوانان به ارزش‌های نظری و مذهبی با وقت فراغتی آنها که بیشتر در فعالیت‌های فکری و دینی صرف می‌شود، همسویی دارد که نشان از تأثیر باور و نگرش‌های دینی در رفتار و کنش افراد دارد و با نظریات روکیچ و پارسونز مطابقت می‌کند. اگر چه، شاید دلیل آن فضای تبلیغات رسانه‌ای، مقبولیت و مجاز و مشروع بودن آن از سوی نظام حاکم و نظام اجتماعی است.

روابط ذکر شده در جهت تأیید نظریات بورديو پیرامون تأثیر نظام ارزشی بر نحوه گذران اوقات فراغت نیز می‌باشد. وی اذعان دارد که ساختمان ذهنی مورد نظرش طبق «منطق تجربه» عمل می‌کند و از آنجا که از اوان کودکی در ذهن جا گرفته است به شکل ناخودآگاه عمل می‌نماید و نمی‌توان چیزی را به طور کامل جایگزین آن کرد. شرایط وجودی، آن دسته از وضع طبقاتی و خانوادگی است که شخص در آنها به دنیا می‌آید که منجر به مجموعه‌ای از موارد شرطی‌سازی می‌شود و به نظامی از خواسته‌ها (منطق تجربه) تبدیل می‌گردد. این حالت بنا بر نظر بورديو، بنیادی است که سبک زندگی اوقات فراغت بر پایه آن شکل می‌گیرد. همان نظام خواسته‌ها و همان منطق تجربه و به طور ناخودآگاه در تمام سلیقه‌ها و علایق فعالیت‌های اوقات فراغت عمل می‌کند. لذا لزوم توجه به بینش‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌های فراغتی که بنا به اظهارات بورديو در همان دوران کودکی و جامعه‌پذیری جوانان شکل می‌گیرد از طرف خانواده‌ها امری حائز اهمیت است. ضرورت دیگر توجه به این امر از آنجا نشأت می‌گیرد که هنری و دیگران، عدم توجه به متغیرهای نگرشی شامل انگیزه‌ها و ارزش‌ها و نیازها را که به عدم آگاهی در زمینه میزان امکانات موجود، دستاوردهای مشارکت و نیز در خصوص تصویر کلیشه‌ای برخی فعالیت‌های خاص اوقات فراغت منجر می‌شود؛ یک محدودیت و معضل مهم دانسته‌اند.

عدم وجود رابطه بین ارزش اقتصادی و فراغت عملی (و دیگر فراغت‌ها) را این طور می‌توان تحلیل کرد که شاید با توجه به تعاریف و نظریه‌های اوقات فراغت بالاخص رویکرد انسان‌گرایی، که هدف و جهت آفرینش و خصوصاً فراغت را «انسان شدن» و به منزله یک فرهنگ و خلق عقاید و نظرها دانسته است، جوانان به فراغت از منظر اقتصادی و یا اهداف مادی نگاه نمی‌کنند، بلکه آن را وسیله‌ای برای اعتلای فرهنگی و معنوی خود تعبیر می‌کنند.

رد شدن رابطه سن با فراغت اجتماعی با توجه به انگیزش‌های مردم‌آمیزی و تعامل با دیگران در اوقات فراغت که پرونووست بر آنها تأکید دارد و آنها را میان جوانان بارزتر می‌بیند، این طور توجیه می‌شود که فاصله سنی در نظر گرفته شده (۲۹-۱۹) برای تعریف جوان، یک مقطع نسبتاً کوتاه از زندگی آنان است که تغییرپذیری زیادی از حیث پرداختن به فراغت‌های اجتماعی در آن مشاهده نمی‌شود. ضمن این که، بافت اجتماعی جامعه مورد مطالعه بیشتر سنتی است که این امر آزادی عمل بسیار کمتری را برای انتخاب جوانان قائل می‌باشد.

همچنین با توجه به رگرسیون چند متغیری مشخص شد که ارزش‌ها نحوه گذران فراغت را تبیین می‌کنند اما تأثیری بر میزان اوقات فراغت ندارند و در مقابل متغیرهای زمینه‌ای مانند پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن هستند که میزان اوقات فراغت را مشخص می‌کنند. این نتیجه با عالم واقع نیز تطابق دارد، بدین معنی که نظام ارزشی برای جوانان به عنوان یک راهنما عمل می‌کند و مشخص می‌کند که جوانان وقت آزاد خود را در چه فراغتی سپری نمایند، اما اینکه افراد چه قدر وقت فراغتی دارند یا چه قدر به فعالیت‌های فراغتی می‌پردازند با توجه به طبقه افراد و اینکه چقدر درآمد دارند یا تحصیلات و سن آنها مشخص می‌شود. به عنوان مثال جوانان طبقات بالای جامعه فراغت بیشتر و متنوع‌تری دارند.

منابع

- اسکیدمور، ویلیام (۱۳۸۵) تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آرون، ریمون (۱۳۸۲) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آزاده، منصوره‌اعظم (۱۳۸۷) نقش گروه‌بندی‌های سنی در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پرونووست، ژیل (۱۳۸۶) «معانی اجتماعی و فرهنگی فراغت»، ترجمه داوود حیدری، رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره دهم، شماره ۳۵، صص ۳۶-۴۱.
- تراندیس، هری. اس (۱۳۷۸) فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: رسا.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران: سمت.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۶) «تحول الگوی گذران اوقات فراغت در جوامع غربی و ایران» رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره دهم، شماره ۳۵، صص ۳۰-۳۵.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۷۲) «بررسی مصرف کالاهای فرهنگی خانوار (در چهار شهر همدان، بوشهر، شهرکرد، اراک)»، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روشه، گی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: تبیان.
- ریترز، جورج (۱۳۸۱) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، تهران: موسسه فرهنگی اهل قلم.
- سفیری، خدیجه و مدیری، فاطمه (۱۳۹۰) «فرا تحلیل مطالعات عوامل اثر گذار بر اوقات فراغت»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، شماره یک، صص ۱۶۶-۱۴۵.
- فکوهی، ناصر (۱۳۷۹) از فرهنگ تا توسعه: توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران، چاپ اول، تهران: فردوس.
- کوزر، لیونیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و دیگران، تهران: مازیار.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳) جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی _ فرهنگی در ایران، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.

- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۸، مرکز آمار ایران.
- مهدوی، محمدصادق و تمیز، رقیه (۱۳۸۷) «کچرفتاری و اوقات فراغت: مطالعه موردی آسیب‌های اجتماعی جوانان شهر تبریز» *پژوهشنامه علوم انسانی*، سال دوم، شماره اول، بهار، صص ۳۴-۵.
- میرهاشمی، مالک و نجفی‌زند، جعفر (۱۳۷۸) «بررسی چگونگی گذران اوقات فراغت افراد بالای ۱۸ سال شهرستان دماوند»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۵ و ۴۶.
- نوری، مهدی (۱۳۷۹) «درآمدی جامعه‌شناختی بر اوقات فراغت»، *فرهنگ اصفهان*، شماره ۱۵.
- هنری لئوبی، جان جی. لاو، جنت شاکسمیت، آنتونی گلندینینگ (۱۳۸۱) *اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان*، ترجمه مرتضی ملانظر و فرامرز کشکولی دزفولی، تهران: نسل سوم.
- هیوود، لس، فرانسیس کیو، پی‌تر براهام، جان اسپینک، جان کاپنرهاست و یان هنری (۱۳۸۴) *اوقات فراغت*، ترجمه محمد احسانی، تهران: بامداد کتاب.
- یونسکو (۱۳۷۹) *راهبردهای عملی توسعه فرهنگی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: تیبیان.
- Allport, G. W.(1955). *Becoming, Basic Considerations for a Psychology of Personality*, New Hawn: Yale University Press.
- Bourdieu, P.(1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*. London: Routledge.
- Brunso, K .etal.(2002). "Closing the Gap Between Values and Behavior: A Means –End Theory of Lifestyle" . *Journal of Business Research*, No.5718, pp.1-6.
- Chung Wha- Ok.(2001). *Social Statistic Division*, National Statistical Office of Georgia, Tbilisi Republic of Georgia.
- Diane J. Schiano.(2006). Tokyo Youth at Leisure: Towards the Design of New Media to Support Leisure Planning and Practice In *Palo Alto Research Center*. Canada: Montral.
- Dumazedier, J.(1974). *Socology of Leisure*. Elsevier Scintific Publication, Co.
- England's Survey of Culture.(2007). *Leisure and Sport Headline Finding from the Chaild Survey 2007 National Statistics*: Department for Culture, Media and Sport.
- Harada, M ,(1994). "Towards a Renaissance of Leisure in Japan".*Leisure Students*, Vol.13,pp.277-287.
- Harada ,M.(1998)."Changing Relationship Between work and Leisure after the Bubble Economy".*Society and Leisure* ,Vol.2,No.1,pp.195-212.
- Hofstede,G.(1980).*Cultures Consequenses :International Differences in Wor;-Related Values*. Beverly-Hills:Sage.
- Kelly, John.(1996). *Leisure*, Prentic- Hall, Englewood Cliffs, Nj.
- Kraut, K.(1998). "Internet Paradox: A Social Technology that Reduces Social Involvement and psychological Well-being?", *American Psychologist* , 43, pp.1017-1031.
- Loov, T. & Miegel, F.(1990). "The Notion of Lifestyle: Some Theoretical consideration".*The Nordicom Review of Mass Communication Research*, No.1,pp. 21-31.
- Lovaglia, M.G. & Houser, J.(1996). "Network Structure and Emotion in Exchange Relations". *American Sociological Review*. Vol.63,pp.871-894.
- Manstead, A S & Miles. H.(1996). *The Blackwell Encyclopedia of Social Psychology*. Publisher: Wiley-Blackwell.

- Neuman, W. R.(1991).*The Future of the Mass Audience*.New York: Cambridge UP.
- Roberts,K.(1997)."Why Old Questions are the Right Response to New Challenges:The Sociology of Leisure in The 1990s". *Society and Leisure*,Vol.20,No.2, Autumn, pp. 369-381.
- Roberts, K.(1999).*Leisure in Contemporary Society*.Wallingford:CABI.
- Rokeach. M.(1973). *The Nature of Human Values*. Free Press.
- Rushkoff.D.(1996).*Children of Chaos*, New York: Harper Collins.
- Scardigli ,V.(1990). "Consumption, Leisure and Lifestyle in Western Europe In Blank Filipcova ,Sue Glyptis,Walter Tokarsk(eds.), Life Styles: Theories, Concepts, Methods and Results of Life Style Researchin International Perspective, Research Committee 13of the International Sociological Association", Prague: *Institute for Philosophy and Sociology, Czechoslovak Academy of Sciences*, Vol.2, pp.302-322.
- Schwartz. S H.(1992).*Universals in the Content and Structure of Values: Theoretical Advances and Emprical Test in 20 Contries*. Zanna (ed.), Advances in Experimental Social.
- South Holland District Council. (2007). *Leisure and Cultural Survey Analysis*. Boston Borough Council and South Holland District Council.
- Torkildsen, George.(1999). *Leisure and Recreation Management*, London: Spon Press.
- Triandis, H. C.(2000). "Dialectics Between Cultural and Cross-Cultural Psychology". *Asian Journal of Social Psychology*.Vol.3,pp.185-195.
- Triandis, H. C.(2000). Dialectics Between Cultural and Cross-Cultural Psychology. *Asian Journal of Social Psychology*.Vol.3, Issue 3,pp.185-195.
- Turner, B. S.(1997).*The Body and Society: Explorations in Social Theory*.London: Sage.
- Wellman, B.(2012). "Social Networks that Matter: Exploring the Role of Political Discussion for Online Participation". *International Journal of Public Opinion Research*.Vol.24,pp. 163-184.

